

اندر شمردن نان مهاجران



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه‌نگار

۱ از مواهب روزهای بعد از جنگ، افزایش غیرقابل باور تحلیلگران و کارشناسان امور سیاسی و تاریخی و آینده‌پژوهی است. عرض می‌کنم این موهبت است، چون دسترسی گسترده‌ای به انبوه نظرات برای مخاطبان ایجاد شده، اکنون طیف بسیار بزرگی از افرادی که دارای عقاید گوناگون هستند، فرصت اظهارنظر خود را دارند. تعدد رسانه‌ها و فرصتی که در اختیار این کارشناسان از سایه‌پدرآمده قرار می‌دهند هم از شگفتی‌های این دوران است. تشخیص سره از ناسره و دروغ از حقیقت البته نیاز به کمی شکاکیت دارد. اینکه حرف‌های این افراد را به هیچ‌وجه نباید به‌عنوان منبع و مرجع پذیرفت و قبول کرد. شگرد آنها معمولاً این است که حرف خود را مسجل به سندی می‌کنند که اساساً در دسترس نیست، مثلاً از رؤسای جمهور و وزرای امور خارجه آمریکا به‌طور روزانه‌زاران گفته‌با استناد به کتاب خاطرات‌شان نقل می‌شود. کتاب‌هایی که بسیاری از آنها اصلاً وجود ندارند یا اگر هم وجود دارند، حاوی چنین گفته‌ای نیستند. جسارت ادعا و استناد این کارشناسان بیشتر از آنجانشأت می‌گیرد که حیای ذاتی ایرانی اجازه نمی‌دهد که در لحظه از او پرسیم که «حضرت کارنشان، سندت دقیقاً چیست و کجای خاطرات یا گفته‌های آن فرد در این موضوع سخن گفته شده است؟ کدام کتاب را خوانده‌ای؟ اصل اش را خوانده‌ای یا ترجمه شده آن را؟» سندی کجا چاپ و منتشر شده؟». این کارشناسان یاد گرفته‌اند برای آنکه «اسلبریتی» بشوند، باید دست به خواب قالی بکشند، حرف‌هایی بزنند که مردم خوش‌شان بیاید، ولو این حرف‌ها حقیقتی در بر نداشته باشند. از اینجاست که فلان جامعه‌شناس میان‌مایه با ریخت قهرمان بدن‌سازی نظراتی عجیب درباره تاریخ ایران بیان می‌کند و کسی هم از اونی پرسد که جناب جامعه‌شناسی خوانده، «آقای دکتر، سندت درباره این ادعای تاریخی که داری، کجاست؟» او بابت این اطلاعات غلط البته فالوئر و شهرت و - کسی چه می‌داند- احتمالاً پول هم به‌دست می‌آورد. این‌ها نظایر همان پدیده ضدفرهنگی مستریتستر هستند منتها در حوزه به‌ظاهر فرهنگی، با شما مال‌ها و حرف‌هایی که شنونده را ارضی و خوشحال کند یا مخالف‌خوانی‌هایی که همه از صبح تا شام در کوچه، خیابان و تاکسی می‌گوییم و می‌شنویم، اما شنیدنش از زبان جامعه‌شناسی با بدن ورزیده، سینه ستبر و ادعاهایی بزرگ، لایذ اعتبار دیگری دارد!

بند دوم یادداشت‌هم، هم به بالایی ارتباط دارد و هم ندارد. یکی، در روز پیش خبری خواندم که از شدت شرم عرق بر پیشانی‌ام نشست. یک تحلیلگر اقتصادی- در این عناوین همیشه شک کنبد - نشسته بود و تعداد نان و میزان آبی که مهمانان افغانستانی در مدت اقامت‌شان در ایران می‌خورند را به‌دست آورده بود. خبر در کانال تلگرامی همین روزنامه خودمان هم‌میهن گرمی در ج شده بود. احتمالاً تحلیلگر اقتصادی‌مان براساس آمارهای وزارت کشور و تعداد نان‌هایی که احتمالاً یک انسان در مملکت ایران به‌طور روزانه می‌خورد و میزان آبی که مصرف می‌کند، ضرب و تقسیمی انجام داده بود و نتایج‌اش را این چنین منتشر کرده بود. اولاً این ضرب و تقسیم دانش تحلیلگری اقتصاد لازم ندارد، یکی، دو جستم‌جوی اینترنتی هر کودک دبستانی را هم به‌همین ارقام می‌رساند. درست است که ما، هم به‌دلایل امنیتی، هم به‌دلیل مضایق اقتصادی دیگر توانایی پذیرایی از مهاجران بیشتر به‌ویژه آنها که فاقد اقامت قانونی هستند را نداریم، اما آیا نسبت‌دادن تمام گرفتاری‌های امنیتی و مضایق اقتصادی به مهاجران، کاری اخلاقی است؟ منصفان و آنها که فقهی از میهن، آینده، منطقه، هم‌زیستی و همسایگی دارند، از نقش برادران و خواهران افغانستانی‌مان در توسعه کشور بعد از سال‌های جنگ با عراق و آغاز سازندگی در کشور سخن گفته‌اند. ما هم‌میهنان تاریخی خود را به‌وقت سختی و گرفتاری پناه دادیم و آنها بسیار بیش از آنکه برای ما در دسر ایجاد کنند، در ساختن کشور به‌ما کمک کردند. کدام سنت و کدام شیوه ایرانی است که نان سر سفره آنها را بشماریم و بعد، نشانی غلط به‌دیم و نفرت‌پرانی کنیم؟ آنها؟ دسترنج خود نان خوردند، کسی به آنها نان و آب مجانی نداده بود. افغانستانی‌ها مغرور تر و باشخصیت‌تر از این هستند که نان‌شان را گدایی کنند. هدررفت آب در سیستم کشاورزی ما هزاران برابر بیش از آبی است که مهاجران افغانستانی برای رفع حوائج انسانی خود مصرف می‌کنند. چه بر ما رفته که سنت «نامش مپرسید و نان‌ش هدید»، مبدل به شمارش نان‌های سر سفره مهمانان و اندازه کردن آب نوشیدنی‌شان شده است؟ از قوت‌گرفتن فاشیسم و بیگانه‌ستیزی گمراهانه‌پادشخت‌بپرهمیزم.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرپاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکاس: دانشگاه خیرنگاران جوان

موسیقی جزیره‌ای

درباره میل مبهم اجراهای بزرگ در کیش به بهانه لغو فستیوال بین‌المللی موسیقی

▼ اندلیز اسبون جمهوری اسلامی

از میان همین سه خواننده، یالچینتاش البته پیش‌تر با مسعود صادقلو در ترانه «هیچ» همکاری داشته است. از قضا چندسال پیش نیز در کیش، کنسرتی برگزار کرد که با مخالفت شدید جریان‌های مخالف دولت حسن روحانی مواجه شد و تعابیر بسیار عجیبی از آن صورت گرفت. برای نمونه «مشرق‌نیوز» در گزارشی مفصل از این نوشت که این خواننده «ابزاری برای تشکیلاتی است که رسماً از خارج کشور هدایت می‌شود؛ تشکیلاتی که بخش تولید آن با گروه رادیو جوان و برگزاری کنسرت نیز توسط شبکه منوتو برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌شود.» همین رسانه این دعوت را بخشی از «پروژه نفوذ از مسیر موسیقی با برندسازی از خوانندگان غیر ایرانی» قلمداد کرد و مدعی شد «این پروژه قصد دارد تا با چهره‌سازی از عناصر دست‌چندم‌هنری در کشور ترکیه، ضمن اجرایی کردن بخشی از طرح اندلسیزاسبون جمهوری اسلامی؛ در تغییر سبک زندگی اسلامی ایرانی جوانان مخاطب موسیقی نیز گامی مهم بردارد.»

▼ لغو کنسرت

خبر برگزاری رویداد بین‌المللی کیش فقط دل موسیقی‌بازها را آب نکرد. اهالی گردشگری نیز از پیامد‌های آن ابراز خوشحالی کردند و از رونق اقتصادی، افزایش ظرفیت اشتغال هتل‌ها و شکوفایی بازار کسب‌وکارهای محلی خبر دادند. آنها همچنین از این گفتند که با این رویداد، پرتددترین و پرشورترین تابستان تاریخ جزیره کیش رقم خواهد خورد و این جزیره در کانون توجه گردشگری منطقه‌ای قرار می‌گیرد. اینک اما خبر رسیده است که کلیت برگزاری این فستیوال به‌دلیل ضعف مدیران منطقه آزاد در جلب رضایت چهره‌های موسیقی و خواننده‌های سرشناس، لغو شده است. کار به جایی رسیده که برخی رسانه‌های محلی کیش نیز ناتوانی مدیران مسئول برگزاری این فستیوال را به باد انتقاد گرفته‌اند چنین طر‌حی را البته نباید در شرایط کنونی دنیای موسیقی، طر‌حی رویایی نامید؛ زیرا حضور ستارگان بین‌المللی هنری در کشورهای مختلف در قالب تورهای جهانی، امروزه به امری ساده بدل شده است. با این همه ناامیدی از امکان اجرایی آن مدت‌ها پیش رزمیه می‌شد و به‌خصوص وقتی بیش ازپیش محل توجه قرار گرفت که ماهسون در خردادماه، حضورش را در ایران تکذیب کرد و در اینستاگرام‌اش چنین نوشت: «پیام‌های زیادی درباره ایران می‌گیرم، فعلاً برای کنسرت در ایران با هیچ‌کسی توافق نمی‌کنم. اگر روزی کنسرتی باشد، حتماً از طریق شبکه‌های اجتماعی رسمی‌ام اعلام می‌کنم.»

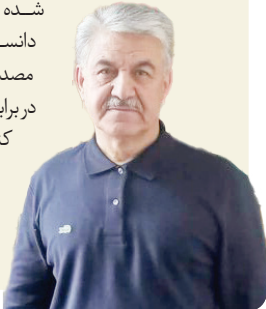
▼ ایران و موسیقی ملی یا کیش و موسیقی بین‌المللی؟

عزم برگزاری این رویداد در وهله نخست، خبری خوشحال‌کننده است. اینکه ما نیز جزئی از جهان باشیم و مردم ایران بتوانند مانند همه‌جای جهان اجرای زنده خوانندگان و نوازندگان محبوب‌شان را بشنوند، نمی‌تواند محل انتقاد باشد. با این همه، آنچه در همه این وقایع- از خبر برگزاری تا لغو آن -محل نگرانی است، تناقض‌ها و سردرگمی‌هایی است که در بدنه مدیریت فرهنگی ایران به‌چشم می‌خورد. متأسفانه ما دچار نگرش‌های سلیقه‌ای، سیاست‌زده و مقطعی هستیم و چوب این خطاها را کلیت جامعه متحمل می‌شود. اگر قرار بر آن است که همه مردم ایران از تمام اقشار و طبقات بتوانند در کنسرت‌ها حضور پیدا کنند، شاید بتوان به اجرایی زنده و رایگان موسیقی در بسیاری از مراکز استان‌ها فکر کرد. هنرمندان ایرانی نیز بارها اعلام کرده‌اند که حاضرند رایگان برای مردم در محیط‌های باز بخوانند. همانطور که در روزهای جنگ در میدان آزادی تهران، ارکستر سمفونیک تهران بدون درگیرشدن در آن فرآیندهای اعصاب‌خردکن اداری، نواخت و این‌روزها در میانین شهر، بخش موسیقی‌های میهن‌پرستانه با لامانع است و هیچ مشکلی هم پیش نیامد، امروز هم می‌توان به وضعیتی اندیشید که هنرمندان در استادیوم‌های ورزشی و سالن‌های بلااستفاده دولتی، به اجرای موسیقی بپردازند. برگزاری رویدادی بین‌المللی در کیش البته امری مثبت است، اما فراموش نکنیم در شرایط کنونی اقتصادی، مسافرت به کیش و اسکان در این جزیره، برای بسیاری از مردم، گزینه‌ای خیالی است. پس شاید بهتر باشد توش و توان مدیریت موسیقی ایران به‌جای اجرای موسیقی بین‌المللی در جزیره‌ای کوچک، در خدمت ایده بزرگ‌تر موسیقی ملی و همگانی باشد؛ موسیقی‌ای با اجرایی هنرمندان ایرانی و حضور مردمی از هر قشر و طبقه، در همه شهرهای ایران.

چهره

مورخ مدافع مصدق

کریم سلیمانی دهکردی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، دیروز درگذشت. او که دهه‌ها به تدریس و تحقیق مشغول بود، در ماه‌های اخیر به‌واسطه نقدی که بر ادعای تاریخی موسی غنی‌نژاد، استاد بر جسته اقتصاد داشت، بیش ازپیش برای مخاطبان رسانه‌ها شناخته‌شد. مهمترین بحث او در این زمینه پاسخی بود بر این گزاره که در سال‌های اخیر رواج یافته و مدعی است آنچه در ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ رخ داده است، «کودتا» نبود. سلیمانی اما چنین نمی‌اندیشید و معتقد بود، هم‌واقع‌ه سوم اسفندماه ۱۲۹۹ یک کودتای نظامی با حمایت انگلیس بوده است که طی آن، تهران به اشغال نیروهای قزاق درآمد و احمدشاه تحت فشار مجبور به انتصاب سیدضیاء به نخست‌وزیری شده است، هم ۲۸ مردادماه را باید کودتا دانست. او در عین حال نقدهای بی‌محابا به مصدق را نیز نادرست می‌دانست و می‌کوشید در برابر آنها بر لزوم توجه به اسناد و مدارک تأکید کند. یکی از آخرین مطالب مهم سلیمانی رانیز می‌توان نگاهی انتقادی به مواضع نواب‌صفوی در برابر کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ دانست.



کتابخانه

واکاوی امر معلمی

«در راه آموختن»، مجموعه گفت‌وگوهایی بهمن ذکی‌پور با محمدرضا سرکارآرانی، درباره پیوند آموزش در مدرسه با تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب ۲۲۰ صفحه‌ای تلاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را ممکن می‌کند. در این کتاب، پرسش‌گر و پرسش‌شونده طی گپ‌وگفت‌های خود، صنعتی شدن آموزش در مدرسه، تنگنای زبان و اندیشه، ماهیت صف‌های تالاشی است درباره اهمیت گشودن مسیرهای نو و خلق ایده‌های تازه‌ای که تمرین حضور و بودن متفاوت، پذیرش بی‌قراری، تاب‌آوری و گریز از تکرار را